

# حافظ و رُشد آن

درواقع باید گفت که هرچند یادگیری با معنی بر محصول تراز یادگیری خود بخودی است، اما مشکل تراست. برای یادگیری موضوع در زمان کمتر شخص باید فعالیت درونی، تفکر، تجربه و تحلیل قابل ملاحظه ای نشان دهد. این همان است که بسیاری از مردم، در وهله اول کودکان را وادار به انتخاب آسان ترین راه راه ساده طوطی وار از سرکردن می کنند.

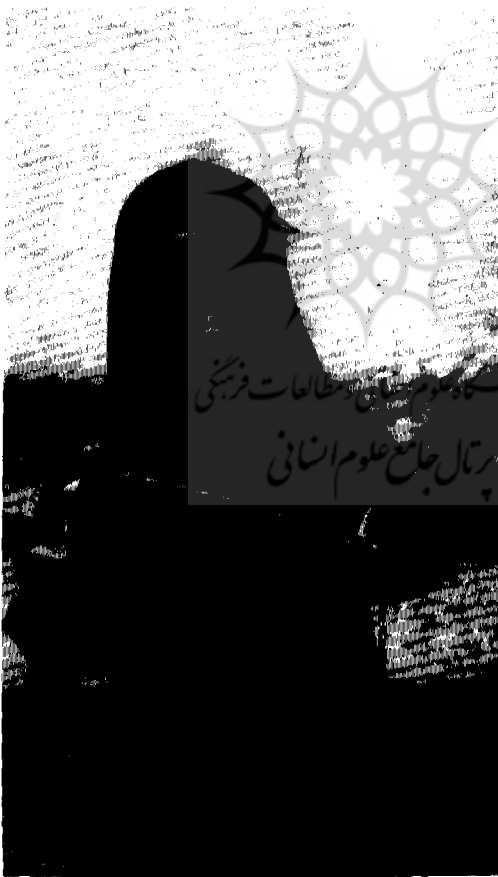
سپرده شود. و آنچه خصوصاً مهم است اینست که اگر آن قضیه فراموش شود، باز سازی آن در حافظه آسان تر و سریع تر صورت می گیرد. این مربوط به تمام مواد تئوری و عملی است.

متأسفانه ما کمتر وظیفه خود می دانیم که اسلوب صحیح یادگیری را به کودکانمان بیاموزیم و دانش آموزان معمولاً طوطی و آراز بر می کنند و بی اختیار بخاطر می سپارند.

در طوطی و آراز حفظ کردن تعمیم موارد و تصحیح فکری بدست نمی آید. مفهوم مطالب مثل اینکه به مرحله دوم، عقب نشینی می کند، و توجهی به رابطه و وابستگی درونی نمی شود. اطلاعات و مهارت که در نتیجه یادگیری خود بخود به وجود می آید، ظاهری و سطحی است و کمتر مفید واقع می شود.

یادگیری باید معنوی باشد و رابطه واقعی تثبیت در حافظه را منعکس نماید.

قضیه ای خوب فهمیده می شود که روی طرح یا روی برهان آن اجباراً بصورت مستقل فکر شود و جدا و دقیق، پایدار و یک بار برای تمام دوران زندگی بخاطر



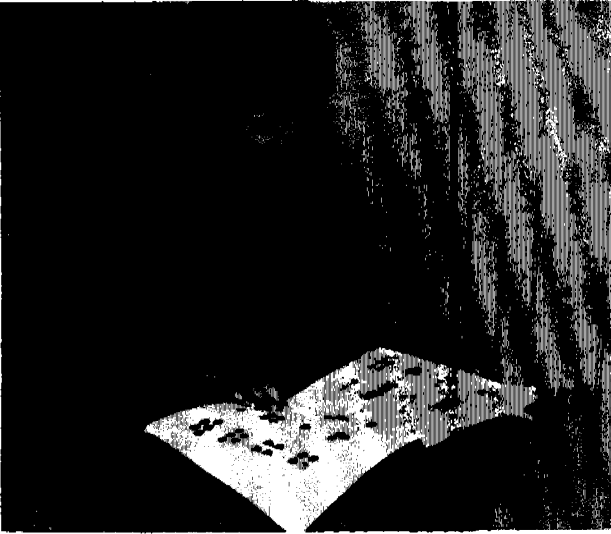
## اسلوب صحیح یادگیری چیست؟

فرض می کنیم ، دانش آموزی باید مضمون پاراگرافی از کتاب درسی اش را بخاطر بسپارد ، ضمناً طوری است که باصطلاح قابل درک نیست .

در این مورد توصیه می شود : هرگاه کسی اقدام به یادگرفتن می کند باید هدفش یادگیری برای همیشه باشد ، نه تافردا ، که بسا برمحاسبه او ، باید از وی پرسیده شود ، نه تا روز امتحان بلکه برای همیشه .

اما تنها میل یادگیری موضوع بصورت پایدار کافی نیست . مرحله اجباری بعدی یادگیری ، اندیشه قبلی ، تجزیه و تحلیل فکری من و جدا کردن اساسی ترین آن است . بدون درک قبلی یادگیری چیزی بی فایده است . ظاهراً همه

کودکان نمی توانند خود چنین تجزیه و تحلیلی بکنند . به نو — آموزشی که در کلاسهای پائین تر درس می خوانند معلم خود طرح را ارائه می دهد ، که طبق آن باید موضوع را یاد بگیرند . برای پدر و مادر فقط مواظبت از کودکان جهت استفاده از آنها باقی می — ماند . لازم نیست به نوجوانان سفارش کرد که خودشان روی تنظیم



شود که کجا قطعه معنایی پایان می یابد و دیگری شروع می شود . بابه عمل آمدن دسته بندی معنایی ، همان جریان مهم بعدی جدا کردن نقطه مقاومت معنایی را آماده می کنیم . این دسته بندی عبارت از نوعی تعیین و جای دهی مضمون کوچک هر مطلبی است که تحت یادگیری قرار گرفته و حاوی صورت فشرده و مختصر آن است .

این نقطه مقاومت ها که ممکن است عنوان بخش ها ، تعاریف اصلی و فرمول بندی باشد ، گاهی معیار یادگیری می شوند ، یعنی شکلهای روشن ، اسامی و عباراتی که به فراگرفتن افکار مربوط به آنها کمک می کنند .

طرح کوتاه چند سطری می — تواند به آسانی به داستان پسر • لطفاً " ورق بزنید

طرح کارکنند ، یعنی تسلسل منطقی اجزای موضوع را فراگیرند . طرح (پلان) ممکن است شفاهی باشد و در غیر این صورت کتبی یا بطرق خط کشیدن و شماره گذاری ، با تخصیص (قالب منطقی) موضوع یادگیری است .

طرح (پلان) یادگیری چگونه  
شکل می شود؟

بیش از هر چیز باید سعی کرد دسته بندی معنایی موضوع رابه وجود آورد . به عبارت دیگر باید متن را در ذهن به گروههای فکری تقسیم نمود که میان خود با محتوای معنی مشترک ، انحصار دارند ، هر چند که در یک موضوع کوچک باشد . ممکن است کودک همان بازاول که می خواند ، متوجه

محتوا و کاملاً مفصل بسط یابد .  
طرح به باز کردن روابط درونی که  
در یادگیری نهفته است کمک می -  
کند و به همین جهت موضوع بهتر در  
یاد می ماند .

اگر طرح فراموش شود ، اگر  
انسان نتواند نقاط و بخش های  
آنها بیاد بیاورد ، باز خود تنظیم  
آن خیلی مفید است . تجزیه  
منطقی موضوع ، یافتن روابط  
درونی و وابستگی سببی ، که بدون  
آنها نه طرح واضح حاصل می شود  
و نه خلاصه آن ، نقش مهمی در  
یادگیری به عهده دارند .

چنانکه قبلاً گفته شد طوطی -  
واری از بر کردن و تکرار بی پایان  
بر پایه یادگیری خود بخودی نهاده  
است . اما یادگیری معنایی هم  
نمی تواند بدون تکرار کافی حاصل  
شود ، زیرا حتی اندیشه با حقیقت  
خوب فهمیده شده و یک بار خوب  
درک شده هم بدون تکرار فراموش  
می شود . بلی ، چنانکه می گویند  
باید تکرار نمود که تاثیر بستگی  
به تعداد تکرار نیست بلکه بسته  
به استعداد است .

فرض کنیم کودک شما باید  
شعری را حفظ کند . معمولاً نو -  
آموزان چنین می کنند : تمام شعر  
را تکرار می کنند از کلمه اول تا آخر  
و این کار را شش - هفت بار انجام  
می دهند ولی باز حفظ نمی شوند .

فرض کنیم دانش آموز قطعه اول را  
فورا حفظ کرده ، فقط روی دومی  
حواسش پرت شده ، با وجود این هر  
بار تمام شعر را از همان ابتدا تکرار  
می کند . چنانکه می بینید اتلاف  
بی ثمر وقت در میان است .  
در صورتی که باید چنین کرد :  
(و ما این طریق را توصیه می کنیم  
که به کودکان بیاموزید )



فقط قسمت های مشکل فراموش  
شده تکرار می شود . پس معلوم می -  
شود ، این طریق نه تنها از لحاظ  
سرعت یادگیری ارزشمند است  
بلکه از لحاظ دوام و پایداری مطلب  
نیز با ارزش می باشد .

گاهی می پرسند : چطور باید  
یاد گرفت ؟ آنطور که تکرار متمرکز  
شود یعنی متوالیاً " دنبال کرد  
یکی پس از دیگری یا باید با فاصله  
زمانی از یکدیگر جدا شوند ؟  
بعنوان مثال روز دوشنبه شعری

کودک یکبار شعر را بخواند  
و فورا کتاب را ببندد ، سعی کند  
آنها تجدید کند و بیاد بیاورد .  
فراموش کرده که چگونه آغاز  
می شود ؟ عیب ندارد بگذارید  
دوباره سطور اول را بخواند . او  
بی تردید مقداری از سطور را پس  
از اولین خواندن یاد می گیرد و  
می تواند آنها را حفظ بکند ، بدون  
اینکه به کتاب نگاه کند و آنچه که  
فراموش کرده است دوباره  
بخواند . این طریق را من (تجدید



کنند. کمترین مقدار تکرار هنگام مراعات شرایط مذکور، بهترین نتیجه را می دهد.

صحیح کارکردن و یادگیری - کاراست و کار آسانی نیست دانش آموز صحیح ترین اسلوب و طریق یادگیری را باصفا درونی خود انجام می دهد. این اسلوب بعدها برای او بصورت کارمستقل معمولی درمی آید که حاکی از رشد حافظه او خواهد بود.

ترجمه محمد تقی زاد

آماده شد فوری و با عجله برای امتحان. مواد حفظ شده پایدار نخواهد بود و یکی از علل آن اینست که هنگام شتاب، تکرار فورا یکی پس از دیگری می آید، و کمتر توزیع زمانی صورت می گیرد. باید دانست که تکرار یکنواخت و بی دربی مغز را خسته می کند. در نتیجه آن خواب آلودگی پیش می آید و خستگی ظاهر می شود. و نیز به این جهت باید به تکرار سفارش کرد که از طوطی واری از برکردن واز تکرار بی معنی و بی پایان خود داری

داده شده که بچه ها حفظ کنند تا روز شنبه پرسیده شود. کودک چکار باید بکند روزی را انتخاب کند فرضاً روز چهارشنبه را و در این روز شعر را حفظ کند یا اینکه روی آن روز سه شنبه کار کند، یکبار دیگر روز چهارشنبه تکرار کند، تکرار کند تا روز پنج شنبه حفظ شود؟

راه دوم فوق العاده صحیح تر است. در این صورت اگر تکرار به زمان توزیع شود، برای یادگیری پایدار موضوع دوبار کمتر از تکرار تمرکز یافته (مجموع) نیاز خواهد بود. مسلم است که، به هنگام

### ● بقیه از صفحه ۲۷

بناظر داشته باشیم که کوچکترین نشانه مسلمان بودن اینست که همه مردمان از دست و زبان شخص مسلمان در امان باشند.

با ايمان نظر در برخی از روایات این واقعت آشکار می گردد که یکی از اعمال شایسته و نیکی مسلمان خود داری او از آزار و اذیت کسب کردن دیگران است. پیامبر بزرگوار (ص) به ابودر فرمود: خویشتن داری تو از ادب و آزار دیگران

خود عمل شایسته ای است که برای خویش انجام

می دهی.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَا يَبِي دُرُ كَفِّ أَدَاكِ عَسِي  
لِلنَّاسِ فَإِنَّهُ مَدْفَعَةٌ تُصَوِّفُ بِهَا عَلَى نَفْسِكَ  
در خانه تلاش کنیم هرگز دل سردی را  
بدرد نیاوریم که اینکار خود موجب ناعشنودی  
بر روی کار معال است و در روایت دیگری چنین  
آمده که هر که مؤمنی را آزار رساند در حقیقت  
به جنگ و نزاع با خدا پرداخته است.